



شهر نیویورک، به عنوان بزرگ‌ترین کالشهر ایالات متحده و نماد تنوع فرهنگی و اقتصادی جهان، یکی از مهم‌ترین انتخابات محلی خود را روز گذشته برگزار کرد. این انتخابات، نه‌تنها آینده اداره شهری با بیش از ۸ میلیون جمعیت را تعیین می‌کند، بلکه می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای سیاست ملی آمریکا داشته باشد و می‌توان آن را به عنوان انتخاباتی مقدماتی برای ورود احزاب به کنگره آمریکا در سال ۲۰۲۶ دانست. اهمیت این رقابت در این است که نیویورک، با تولید ناخالص داخلی بیش از ۱٫۸ تریلیون دلار، اغلب به عنوان «موتور اقتصادی» آمریکا شناخته می‌شود و تصمیمات شهردار آن بر مسائل ملی مانند مهاجرت، مسکن و امنیت عمومی تأثیر گذار است. انتخابات شهرداری نیویورک ۲۰۲۵ بیش از آنکه رقابت بر سر مدیریت شهری باشد، در واقع آزمونی نمادین درباره جهت‌گیری ایدئولوژیک سیاست‌گذاری شهری در آمریکا است، همچنین به نمادی مهم در عرصه رقابت‌های احزاب سیاسی تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، نیویورک با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است: بحران مهاجرت که منجر به ورود بیش از ۲۰۰ هزار پناهجو از مرز جنوبی شده، افزایش نابرابری اقتصادی که شکاف طبقاتی را عمیق‌تر کرده و مشکلات امنیت عمومی مانند افزایش جرائم خشن در مترو و خیابان‌ها. این مسائل، پس از همه‌گیری «کووید-۱۹» که اقتصاد شهر را فلج کرد، شدت یافته است.

موقعیت خاص نیویورک در سیاست ملی آمریکا غیرقابل‌انکار است. این شهر که بیش از ۸۰ درصد رأی‌دهندگان آن دموکرات هستند، اغلب به عنوان آزمایشگاهی برای سیاست‌های جدید عمل می‌کند. برای مثال، برنامه‌های موفق در نیویورک مانند مسکن مقرون‌ب‌صرفه یا حمل‌ونقل عمومی می‌تواند الگویی برای سایر شهرها شود اما در عین حال، شکست‌ها نیز می‌تواند به جمهوری‌خواهان فرصت حمله به دموکرات‌ها را بدهد. فضای عمومی و رسانه‌ای، این انتخابات را به یکی از داغ‌ترین رقابت‌های محلی تبدیل کرده است.

■ **انتخابات جنجالی، چهره‌های جنجالی**

این انتخابات اما چهره‌های جنجالی را از سوی دموکرات به دنیا معرفی کرد؛ زهران ممدانی، نماینده‌ایالتی و مسلمانی شیعه در مرکز انتخابات شهرداری شهری که هم اقتصاد آمریکا را بر دوش می‌کشد و هم از لحاظ جمعیتی، خانه اول یهودیان در آمریکاست، چهره‌ای که خود را در حلقه دموکراتیک – سوسیالیست‌ها قرار داده و موفق شده با محور قرار دادن حل بحران هزینه زندگی و مسکن با شعارهای سوسیالیستی از یک کمپین مردمی سرمایه‌محور عبور کند و به صدر رقابت‌های حزبی و ملی راه یابد.

زهران ممدانی در کامپالا، پایتخت اوگاندا متولد شده و خانواده‌اش در دوران کودکی به نیویورک مهاجرت کردند. او سابقه کار در حوزه پزشکی را و مصداقه مسکن و فعالیت‌های خدماتی در محلات کارگری کوئینز را دارد؛ زمینه‌ای که بعدها بستری برای کنشگری سیاسی او شد و باعث شد او به شورای شهر نیویورک راه یابد. در سال‌های اخیر ممدانی در چار چوب جنبش‌های ش‌شهری و شبکه‌های حزب دموکرات فعال بوده و عملاً از رکن‌های نوگرای چپ در عرصه محلی به شمار می‌آید. در آمدن نام او به عنوان نامزد اصلی حزب دموکرات برای شهرداری و موفقیت در رقابت مقدماتی، نشان‌دهنده توان سازماندهی مردمی و انتخاب پیام «هزینه زندگی» به عنوان محوری‌ترین مساله رأی‌دهندگان شهری بود.

ممدانی که مسلمان و شیعه است، با بالاترین میزان هزینه‌کرد لابی‌های صهیونیست برای مانع‌از حضورش در انتخابات و شکست کمپین انتخباتی‌اش روبه‌رو شد. او انتقادات تند و تیزی از صهیونیست‌ها کرده و از فلسطینی و مردم غزه حمایت می‌کند که باعث شده لابی صهیونیستی و سرمایه‌داران ثروتمند نیویورک، بالاترین میزان هزینه را در انتخابات شهرداری نیویورک داشته باشند. بسیاری از سرمایه‌گذاران و ثروتمندان یهودی نیویورک نیز اعلام کرده‌اند در صورت پیروزی ممدانی، این شهر را ترک کرده و احتمالاً به ایالت‌های دیگر خواهند رفت؛

۳ عنصر کلیدی مسیر ممدانی را توضیح می‌دهد: تجربه عملی در حوزه مسکن که به او و مشروعیت کنش‌کراتیک و ارتباطی با جامعه آسیب‌پذیر می‌دهد؛ تکیه بر شبکه‌های مردمی و حمایت تشکل‌های مترقی مانند «شبکه دموکراتیک – سوسیالیست‌ها» که ساختار جمع‌آوری رای و فعال‌سازی نیروهای خیابانی را فراهم آورد و در نهایت استفاده ماهرانه از روایت عمومی فشار معیشتی؛ روایتی که پلش‌خفوری و ملموس‌ی برای بخش بزرگی از رأی‌دهندگان شهری دارد.

بر اساس نظرسنجی‌های اخیر، زهران ممدانی، نامزد دموکرات و سوسیالیست دموکراتیک، با ۴۳ درصد از پیشتاز است، در حالی که اندرو کومو (نامزد مستقل و فرماندار سابق) ۳۳ درصد و کریس اسلیوا (نامزد جمهوری‌خواه) ۱۴ درصد آرا را به خود اختصاص داده‌اند. این انتخابات، با توجه به سابقه ممدانی در جناح چپ حزب دموکرات می‌تواند نشان‌دهنده تغییر جهت در سیاست‌های شهری باشد. رسانه‌های مانند نیویورک تایمز و وال‌استریت ژورنال، پوشش گسترده‌ای از مناظره‌ها و نظرسنجی‌ها ارائه داده‌اند، در حالی که بازارهای پیش‌بینی مانند پلی‌مارکت، شناسن پیروزی ممدانی را ۹۴ درصد ارزیابی می‌کنند. این رقابت، با تمرکز بر مسائل عدالت اجتماعی و اقتصادی، آیینی‌ای از تنش‌های ملی آمریکاست و می‌تواند آینده حزب دموکرات را تحت تأثیر قرار دهد.

دیگر نامزد شهرداری نیویورک اندرو کومو، فرماندار سابق نیویورک است که پس از استعفا در ۲۰۲۱ بار دیگر به صحنه سیاسی بازگشت و به عنوان نامزد مستقل بازگشتی وارد رقابت شد. او سال ۲۰۲۱ به دلیل فساد اخلاقی مجبور به استعفا از فرمانداری نیویورک شد و فضای تبلیغاتی علیه او که عمدتاً توسط حزب دموکرات نیز دامن زده می‌شد به قدری پیش رفت که برادرش نیز که در شبکه خبری سی‌ان‌ان فعالیت می‌کرد، مجبور به کناره‌گیری از شغلش شد. با این حال او ادعای زنان جنبش MeToo در مورد آزار و اذیت جنسی کارمندانش را رد کرد و بر برخی از رسانه‌ها نیز عنوان کردند تسویه‌حساب‌های سیاسی در داخل حزب دموکرات او را مجبور به کناره‌گیری از فرمانداری نیویورک کرد. این چهره جنجالی حالا با انتخابات شهرداری نیویورک دوباره به صحنه سیاسی بازگشته و اتفاقاً نسبت به نامزد جمهوری‌خواه نیز شانس بیشتری برای رقابت نزدیک با ممدانی دارد.

کریس اسلیوا، نامزد جمهوری‌خواه در دوره‌های قبلی نیز نامزد بوده و با پیام‌های امنیتی-قانونی و محافظه‌کارانه وارد میدان شد اما به دلیل اینکه ایالت و شهر نیویورک، پایگاه رای

«وطن امروز» گزارش می‌دهد

انتخابات شهر داری نیویورک چه تأثیری بر معادلات سیاست

در آمریکا واقدامات دموکرات‌ها علیه ترامپ دارد

نیویورک علیه واشنگتن



سنتی دموکرات‌هاست، شناسن زیادی برای پیروزی ندارد. این عدم اقبال به نامزد جمهوری‌خواه تا جایی پیش رفت که شخصیت‌های معروف حزب تصمیم گرفتند برای جلوگیری از قدرت گرفتن ممدانی، از اندرو کومو به عنوان نامزد مستقل حمایت کنند. این رویکرد باعث شد دونالد ترامپ نیز در شب برگزاری انتخابات، در پیامی رسماً از کومو برای شهرداری نیویورک حمایت کند. این حمایت‌باز هم بر هزینه‌های حمایت ترامپ از دوستان و طرفدارانش که اتفاقاً بیشترشان به دلیل آزار و اذیت جنسی معروف هستند، افزود. او در همان روزی از اندرو کومو حمایت کرد که در گفت‌وگویی از شاهزاده اندرو، برادر پادشاه انگلستان که نامش در پرونده جفری اپستین نیز شنیده شد و منجر به برکناری‌اش از وظایف سلطنتی شده بود نیز حمایت کرده بود؛

■ **ممدانی و صهیونیست‌ها و راه دشوار پیشرفت در سیاست آمریکا**

ممدانی با مواضعی بی‌برده درباره فلسطین و اسرائیل وارد عرصه‌ای شده است که کمتر سیاستمدار آمریکایی حاضر است در آن چنین صراحتی به خرج دهد. او بر خلاف جریان اصلی سیاست در ایالات متحده، نه‌تنها از دولت اسرائیل انتقاد کرده، بلکه سیاست‌های واشنگتن در حمایت بی‌قید و شرط از تل آویو را نیز زیر سوال برده است. این مواضع، بویژه پس از حملات اسرائیل به غزه، او را به یکی از صریح‌ترین چهره‌های ضدجنگ در فضای سیاست محلی نیویورک بدل کرده است. ممدانی در سخنرانی‌های عمومی و گفت‌وگوه‌ای رسانه‌ای خود، اقدامات اسرائیل در غزه را «سل‌کشی» خوانده و از آمریکا خواسته فروش سلاح به تل آویو را متوقف کند. او بر این باور است هیچ دولتی نمی‌تواند همزمان مدعی ارزش‌های انسانی باشد و از مبارزان غیرنظامیان دفاع کند. این موضع، در میان فعالان مترقی و گروه‌های حامی عدالت اجتماعی در نیویورک، محبوبیت زیادی برایش به همراه آورده است اما در همان حال، بخش‌های پرنفوذ جامعه یهودی شهر و محافل صهیونیستی آمریکا او را به «افراط‌گرایی ضداسرائیلی» متهم کرده‌اند. نکته مهم اینجاست که ممدانی تنها منتقد سیاست‌های اسرائیل نیست؛ او از جنبش «تحریم، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم اقتصادی اسرائیل» (BDS) نیز حمایت کرده است، جنبشی که در آمریکا بویژه در سطح رسمی، حساسیت‌برانگیزی حتی در برخی ایالت‌ها غیرقانونی اعلام شده است. این حمایت نشان می‌دهد او سیاست خود را نه در چارچوب محافظه‌کاری حزبی، بلکه در پیوند بسا جنبش‌های جهانی عدالت‌خواهی تعریف می‌کند.

از منظر تحلیلی، این موضع‌گیری‌ها ۲ پیام روشن دارند؛ نخست اینکه ممدانی به نسلی تعاق دارد که نسبت به سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا دیدی انتقادی‌تر دارد. نسل او، برخلاف نسل سیاستمداران دهه‌های گذشته، معتقد است حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل دیگر با افکار عمومی جوانان آمریکا همخوانی ندارد. دوم، او تلاش می‌کند در مواضع حزب دموکرات در قبال منازعه فلسطین و اسرائیل نوعی بازتعریف ایجاد کند. اگر تا دهه پیش، چپ‌گرایان حزب صرفاً خواهان کنترل فروش سلاح به اسرائیل بودند، اکنون ممدانی با صراحت از تحریم و فشار بین‌المللی سخن می‌گوید.

این مواضع، اگر چه او را در میان بخشی از رأی‌دهندگان نیویورکی محبوب کرده اما برایش هزینه‌های سیاسی مهم داشته است. لابی‌های حامی اسرائیل در نیویورک و واشنگتن از ماه‌ها پیش کارزارهایی غیرمستقیم علیه او به راه‌انداخته‌اند. برخی رسانه‌های وابسته به جریان‌های محافظه‌کار او را «تهدیدی برای امنیت یهودیان نیویورک» خوانده‌اند و گروه‌هایی همچون AIPAC آشکارا از نامزدهای رقیب او حمایت مالی کرده‌اند. این واکنش‌ها نشان می‌دهد پیروزی ممدانی، اگر رخ دهد، تنها یک تغییر در شهرداری نیویورک نیست، بلکه ولو اندک اما نشانه‌ای از تغییر توازن قدرت در گفتمان سیاسی ایالات متحده خواهد بود.

در عین حال، ممدانی تلاش کرده با تأکید بر تمایز میان «صدهیونیسم» و «یهودستیزی»، خود را از اتهاماتی مانند افراط‌گرایی مذهبی یا قوم‌ی جدا کند او در سخنانی گفته است:

«هیچ‌کس نباید به خاطر دین یا هویت خود احساس نامنی کند اما نقد یک دولت، یهودستیزی نیست». همین جمله، به نوعی خلاصه‌نگرش او به سیاست خاورمیانه است؛ نگرشی که در آن، دفاع از حقوق فلسطینی‌ها بخشی از تعهد جهانی به عدالت تلقی می‌شود.

در سطحی گسترده‌تر، مواضع ممدانی درباره فلسطین را باید بخشی از یک روند بزرگ‌تر دانست: چرخش نسلی در حزب دموکرات. از زمان برنی سندرز تا چهره‌هایی مانند الکساندریا اوکاسیو کورتز و اکنون ممدانی، شاخه‌ای از حزب در حال فاصله‌گیری از روایت و دیدگاه‌های سنتی واشنگتن درباره اسرائیل است. این جریان خواهان بازنگری اساسی در روابط آمریکا و اسرائیل است و بر پیوند میان عدالت داخلی و سیاست خارجی تأکید می‌کند.

در نهایت، هرچند ممدانی هنوز در سطح محلی فعالیت می‌کند اما در صورت پیروزی در انتخابات شهرداری نیویورک، احتمالاً جایگاه او از مرز سیاست شهری فراتر خواهد رفت. او می‌تواند به نمادی از چپ جدید در آمریکا بدل شود؛ چپی که مخالفت با اشغال، دفاع از عدالت نژادی و اقتصادی و نقد سیاست خارجی واشنگتن را در قالب یک گفتمان واحد عرضه می‌کند. به همین دلیل است که انتخابات نیویورک، فراتر از مرزهای شهر، با دقت در سراسر کشور دنبال می‌شود. پیروزی یا شکست ممدانی می‌تواند نشان دهد آیا سیاست آمریکا آماده پذیرش چهره‌ای با این میزان از صراحت در نقد اسرائیل و دفاع از فلسطین هست یا نه.

■ **حزب دموکرات و سوسیالیسم**

رقابت پرشور ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک آن هم با توجه به اینکه او رسماً اعلام کرده یک سوسیالیست است، نگاه‌ها درباره آینده حزب دموکرات و جایگاه سوسیالیست‌ها در این حزب را در معرض توجه افکار عمومی قرار داده است.

ممدانی از حمایت قاطع و کامل برنی سندرز، چهره معروف و محبوب حزب دموکرات بر خوردار است که در رقابت‌های انتخاباتی درحسب جمهوری در سال ۲۰۱۶ شرکت کرد و در نهایت به ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۶ شکست خورد. سندرز از چهره‌های شاخص آن هستند. با این حال، رهبران سنتی حزب، از جمله اواما بیمنتا،کند این گرایش سوسیال – دموکراتیک بیش از اندازه از جریان اصلی سیاست آمریکا فاصله بگیرد و پایگاه رای حزب را در طبقات متوسط و سرمایه‌گذار تضعیف کند. در واقع، سکونت اواما نه از بی‌تفاوتی، بلکه از نوعی نگرانی ناشی می‌شود. او می‌خواهد حزب دموکرات به سمت تجدید نسل حرکت کند اما نه با سرعتی که باعث شکاف درونی و از دست رفتن ائتلاف بزرگ دموکرات‌ها شود. اواما می‌داند تلاش چهره‌هایی چون ممدانی بخشی از آینده حزب را نمایندگی می‌کنند اما هنوز زمان انتقال قدرت سیاسی به این نسل فراتر رسیده است. به همین دلیل، حمایت او از ممدانی به شکل «تیرفعال اما معنادار» انجام شد؛ نوعی چراغ سبز محتاطانه پیامی به رأی‌دهندگان جوان و تجدیدنظرطلب که نشان می‌دهد رهبران قدیمی حزب سخنان آنان را می‌شنوند اما هنوز تصمیم نگرفته‌اند آینده حزب دقیقاً در چه جهتی باید حرکت کند.

اگر ممدانی در اداره نیویورک موفق شود و بتواند وعده‌هایش درباره مسکن، عدالت اجتماعی و اصلاح نظام مالی شهری را عملی کند، احتمالاً اواما و دیگر رهبران حزب در آینده ناچار خواهند شد موضعی روشن‌تر در برابر او بگیرند اما تا آن زمان، ترجیح آنان سکوت و تماشاست؛ سکوتی که بیش از هر حمایت یا مخالفتی، نشان‌دهنده پیچیدگی سیاست درون حزب دموکرات است؛ حزبی که در آستانه تصمیمی تاریخی درباره مسیر آینده خود قرار دارد.

■ **از چهره‌های جدید حزب دموکرات رونمایی می‌شود؟**

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است: آیا ممدانی می‌تواند چهره آینده حزب دموکرات باشد؟ ممدانی شاید در نگاه اول فقط یکی از سیاستمداران محلی نیویورک باشد اما واقعیت این است که او به نماد نسلی تازه در حزب دموکرات تبدیل شده است؛ نسلی که از شعارهای سنتی فاصله گرفته و با زبانی ساده از عدالت، مسکن، فقر، نژاد و جنگ حرف می‌زند. با این حال، پاسخ به این پرسش که آیا ممدانی می‌تواند آینده حزب دموکرات و حتی نامزد ریاست جمهوری

چهارشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۴۵۵

بین الملل

این حزب در سال‌های بعد باشد، چندان ساده نیست. حزب دموکرات در سطح ملی هم اینک به ۲ بخش تقسیم شده است: یک شاخه مترقی که چهره‌هایی مثل برنی سندرز و الکساندریا اوکاسیو کورتز را نمایندگی می‌کند و شاخه‌ای میانه‌روتر که بر عمل‌گرایی سیاسی و حفظ توازن اقتصادی تأکید دارد. ممدانی که در جناح اول قرار دارد تلاش می‌کند صدای جناح چپ حزب را به مرکز سیاست بیاورد اما تبدیل شدن او به چهره‌ای ملی، نیازمند گذر از دیوارهای بلند قدرت در واشنگتن است؛ دیوارهایی که هنوز در کنترل همان سیاستمداران میانه‌رو و باتجربه قرار دارد.

از سوی دیگر، تجربه اجرایی محدود ممدانی یک مانع جدی برای مطرح شدن او در سطح ریاست‌جمهوری است. او هنوز در مدیریت یک شهر بزرگ مانند نیویورک امتحان خود را پس نداده و هیچ سابقه‌ای در سطح ملی ندارد. در سیاست آمریکا، مسیر قدرت معمولاً از پله‌های فرمانداری یا سناتوری می‌گذرد؛ مقامی که ممدانی هنوز از آن فاصله دارد. با این حال، اگر او در اداره نیویورک موفق شود، به سرعت می‌تواند از چهره‌های محلی به سیاستمداری ملی تبدیل شود؛ همان‌گونه که بیل دباسیو یا حتی با راک اواما پیش از او چنین مسیری را پیمودند. در مورد آینده حزب دموکرات باید گفت این حزب امروز در مرحله‌ای از بازتعریف خود است. از یک سو چهره‌هایی مانند گوین نیو-سلم، فرماندار کالیفرنیا و گرچن وی نمر، فرماندار میشیگان تلاش می‌کنند چهره‌ای منظم، باثبات و قابل‌پیش‌بینی از حزب ارائه دهند؛ از سوی دیگر، ممدانی و همفکرانش با زبانی احساس‌سوی و عدالت‌خواهانه، جلوه‌ای جدید به این حزب بخشیده‌اند. در واقع، آینده حزب بستگی به این دارد که رأی‌دهندگان آمریکایی کدام چهره را نماینده بهتر دغدغه‌های خود بدانند؛ سیاستمدار عمل‌گرا و محتاط یا تجدیدنظرطلب پرشور و منتقد نظم موجود.

اگرچه برخی حتی از احتمال معرفی ممدانی به عنوان کاندیدای نهایی حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۸ سخن می‌گویند اما به دلیل اینکه او متولد آمریکاییست، قاعدتاً نمی‌تواند در این جایگاه قرار گیرد.

در این میان، احتمال نامزدی کاملا هریس، معاون پیشین رئیس‌جمهور، در انتخابات آینده نیز جدی است. او نماد ادامه مسیر سنتی حزب دموکرات است؛ زنی رنگین‌پوست، با تجربه اجرایی و شبکه‌ای قدرتمند از حامیان مالی و سیاسی. در مقابل، ممدانی با تکیه بر بدنه جوان‌تر و اقلش را‌بیین‌تر جامعه می‌خواهد نشان دهد حزب دموکرات فقط حزب به اصطلاح نخبگان و نهادهای بزرگ نیست، بلکه می‌تواند صدای خیابان‌ها هم باشد. در نهایت، پاسخ به این پرسش که آیا ممدانی یکی از تصمیم‌گیران آینده حزب دموکرات است، در خود حزب نهفته است. اگر این حزب در سال‌های آینده به سمت عدالت اجتماعی و سیاست‌های چپ‌گرایانه‌تر حرکت کند، ممدانی یکی از چهره‌های پیشرو آن خواهد بود اما اگر مسیر عمل‌گرایی سنتی و توازن سیاسی ادامه یابد، احتمالاً او در همان سطح شهری و نمایان باقی خواهد ماند؛ صدای وجدان اخلاقی حزب، نه رهبر آن.

با این حال، حتی در همین مرحله، نقش ممدانی را نمی‌توان کوچک شمرد. او بازتاب تغییری عمیق‌تر در سیاست آمریکاست؛ تغییری از سیاستمداران محافظه‌کار و باتجربه به سمت نسلی که از برابری، فلسطین، فقر، نژاد و عدالت حرف می‌زند. او اگر چه رئیس‌جمهور بعدی آمریکاییست اما بی‌تردید در حال شکل دادن به گفت‌وگوه‌ای آینده حزب دموکرات است. و این، خود به نوعی قدرتی فراتر از مقام رسمی است.

■ **حاشیه‌های ملی یک انتخابات محلی**

ترامپ که همواره از نیویورک به عنوان «نماد سقوط ارزش‌های آمریکایی» یاد کرده، در تجمعی انتخاباتی در فلوریدا، ممدانی را «تهدیدی برای امنیت و هویت آمریکایی» خواند و او را به «نفوذ اندیشه‌های سوسیالیستی و ضد اسرائیلی در قلب ایالات متحده» متهم کرد. او همچنین همزمان با آغاز انتخابات در نیویورک در اظهاراتی توهمین‌آمیز گفت هر یهودی‌ای که به ممدانی رأی دهد، یک احمق است. این حمله، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت و به نوعی انتخابات شهرداری نیویورک را از سطح یک رقابت محلی به موضوعی ملی و ایدئولوژیک ارتقا داد.

کارزار ممدانی در واکنشش، اینن اظهارات را «تلاشی برای ترساندن رأی‌دهندگان از تغییر» دانست و اعلام کرد «دوران سیاست‌های نفرت‌محور رو به پایان است». در عمل، این رویارویی باعث شد صفت‌بندی‌های حزبی در نیویورک شفاف‌تر شود. دموکرات‌های تجدیدنظرطلب با شور بیشتری پشت ممدانی ایستادند و در مقابل، جمهوری‌خواهان و محافظه‌کاران سنتی با حمایت غیررسمی از رقیب او تلاش کردند از پیروزی شل جلودگیری کنند.

افزون بر ترامپ، چند چهره برجسته حزب جمهوری‌خواه مانند ران دی‌سانتینس و تد کروز نیز به طور غیرمستقیم در سخنرانی‌های‌شان از خطر «چپ‌گرایی شهری» سخن گفتند که به تعبیر آنها، «نیویورک آغاز می‌شود و ممکن است سراسر کشور را در بر گیرد». این موضع‌گیری‌ها نشان می‌دهد حزب جمهوری‌خواه به انتخابات شهرداری نیویورک صرفاً به عنوان یک رقابت شهری نمی‌نگرد، بلکه آن را آزمونی برای سنش‌ن محبوبیت جریان‌های جدید بویژه درباره انتخابات ریاست‌جمهوری آینده می‌داند.

در مقابل، تیم ممدانی تلاش کرده است تصویر یک سیاستمدار شهری واقع‌گرا از او بسازد؛ کسی که دغدغه‌اش مسکن، فقر و عدالت نژادی است، نه ستیز ایدئولوژیک با واشنگتن. با این حال، حضور پررنگ چهره‌های ملی و مداخله چهره‌های فدرال باعث شده این انتخابات به نوعی «پیش‌مینه» رویارویی بزرگ‌تری میان ۲ تصور از آینده آمریکا بدل شود: یکی، بازگشت به اقتدارگرایی محافظه‌کار دیگری، گسترش سوسیال – دموکراسی شهری در قالبی نو و آمریکایی. در مجموع، حاشیه‌های این انتخابات نشان داد نیویورک در سال ۲۰۲۵ دیگر صرفاً شهری با رقابت‌های محلی نیست، بلکه اندازه آماده پذیرش چهره‌هایی است که هم با ساختار قدرت واشنگتن زاویه دارند و هم با روایت رسمی از «آمریکایی بودن» به چالش برخاسته‌اند.

حزب دموکرات با پیروزی احتمالی در انتخابات شهرداری نیویورک، به گام مهم علیه ترامپ برمی‌دارد.

اواما در آستانه انتخابات شهرداری نیویورک و انتخابات فرمانداری در چند ایالات دیگر آمریکا، چند سخنرانی تند و آتشین علیه ترامپ انجام داد؛ اقدامی که نشان می‌دهد دموکرات‌ها حالا بیشتر از قبل در حال رویارویی با ترامپ هستند. در این بین، نقش نیویورک بسیار مهم است. پیروزی ممدانی در نیویورک می‌تواند شروع کارزارهای گسترده دموکرات‌ها علیه ترامپ باشد.